

Mythical Geopolitics: The Role of National Spirit in Regulating Iran's Foreign Relations with Neighbors

Bahareh Sazmand*

E-mail: bsazmand@ut.ac.ir

Marzieh Javadi Arjmand**

E-mail: mz.javadi@ut.ac.ir

Rahim Afsharian***

E-mail: afsharianrahim@ut.ac.ir

Received: 2024/06/21

Revised: 2025/02/24

Accepted: 2025/03/10

Doi: 10.22034/RJNSQ.2025.464107.1623

Abstract

Proactive geopolitical engagement is a strategy for achieving success at the regional level and fostering favorable relations with neighboring countries. This research examines Iran's steps in this framework based on Jean Gottmann's theory of the 'spirit of the nation,' with components of 'iconography' and 'circulation'. The authors emphasize myths as one manifestation of the national spirit, specifically focusing on five mythological concepts related to Iranian geography. The research method is applied and developmental in terms of purpose, qualitative in data nature, and non-experimental (documentary and case study) in data collection. While symbolizing Iranian foreign policy, the myths under consideration place special emphasis on distinguishing between good and evil and can demonstrate the country's goodwill in regional interactions and Iran's neighborhood policy. The enduring flow conveyed through the circulation of mythological themes has no aim other than to transmit a message of friendship and good neighborliness. Therefore, the foreign policy apparatus of the Islamic Republic of Iran, in light of these themes, can engage in dignified diplomacy through constructive interaction and multifaceted convergence to achieve success in its neighborly policy through logical persuasion. The emphasis on myths for the symbolic transmission of a message of friendship and the continuous flow is the main goal of this research, which, if realized, will lead to peace and stability in the turbulent geopolitics of the Middle East.

Keywords: Mythical Geopolitics, National Spirit, Iconography, Circulation, Neighborhood Policy.

* Associate Professor of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

** Assistant Professor of Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding Author).

*** Ph.D. Student in Regional Studies, University of Tehran, Tehran, Iran.

ژئوپولیتیک اسطوره‌ای؛

نقش روح ملی در تنظیم روابط خارجی ایران با همسایگان

نوع مقاله: پژوهشی

* بهاره سازمند

** مرضیه جوادی ارجمند

*** رحیم افشاریان

E-mail: bsazmand@ut.ac.ir

E-mail: mz.javadi@ut.ac.ir

E-mail: afsharianrahim@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۲/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

چکیده

یکی از راهکارهای کسب موفقیت در سطح منطقه‌ای و تنظیم مناسبات یک کشور با همسایگان، کنشگری فعال ژئوپولیتیکی است. مسئله پیش روی این پژوهش گام‌برداری ایران در این چهارچوب براساس نظریه روح ملی ژان گاتمن با مؤلفه‌های «آیکونوگرافی» و «سیرکولاسیون» است. تأکید اصلی نگارندگان بر اسطوره‌ها به‌عنوان یکی از مظاهر روح ملی است که به‌طور خاص، بر پنج مفهوم اسطوره‌ای جغرافیای ایران استوار است. روش پژوهش براساس هدف، کاربردی و توسعه‌ای، براساس ماهیت داده‌ها، کیفی و براساس روش گردآوری داده‌ها، غیرآزمایشی از نوع اسنادی و مطالعه موردی است. اساطیر موردنظر ضمن نمادنگاری سیاست خارجی ایران، تأکید ویژه‌ای بر تمایز نیکی‌ها و بدی‌ها داشته و می‌توانند حسن‌نیت این کشور در تعاملات منطقه‌ای و سیاست همسایگی ایران را نشان دهند. جریان مانایی که از طریق چرخش درون‌مایه‌های اسطوره‌ای منتقل می‌شود نیز هدفی جز انتقال پیام دوستی و حسن هم‌جواری ندارد؛ بنابراین دستگاه سیاست خارجی ج.ا.ایران در پرتو این مضامین می‌تواند ضمن تعامل سازنده و همگرایی چندوجهی، دست به کنشگری عزتمند در دیپلماسی زند تا از طریق اقناع منطقی، به موفقیت در سیاست همسایگی نایل شود. تأکید بر اساطیر به جهت انتقال نمادین پیام دوستی و داشتن جریانی مستمر، هدف اصلی این پژوهش است که در صورت تحقق، منجر به صلح و ثبات در ژئوپولیتیک پر آشوب خاورمیانه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: ژئوپولیتیک اسطوره‌ای، روح ملی، آیکونوگرافی، سیرکولاسیون، سیاست همسایگی.

* دانشیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

** استادیار مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

*** دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران، تهران، ایران.



مقدمه و بیان مسئله

کشورها در ژئوپولیتیک خود همواره درصدد کنشگری مثبت جهت تحقق منافع و امنیت ملی‌شان هستند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و مناطق پرآشوب پیرامونی آن، تنظیم مناسبات با کشورهای دیگر به‌ویژه همسایگان را به لحاظ هنجاری ضروری می‌کند. درک هم‌زمان محدودیت‌ها و مقدرات جغرافیایی برای این کشور اولین گام در کنشگری فعال است. محدودیت‌های محیطی سبب تعدیل خواسته‌ها و تعلقات آرمانی شده و مقدرات جغرافیایی فرصت‌های ویژه‌ای را به دنبال دارد که باید در سیاست‌گذاری عمومی و روابط خارجی مدنظر قرار گیرند.

دغدغه نگارندگان این است که مناسبات فرهنگی در ژئوپولیتیک ایران چگونه می‌توانند نقش‌آفرینی کنند تا ضمن مقاومت در برابر تغییرات مضر، جریان سیالی از روح ایرانی بر پایه تشویق خوبی‌ها و تقبیح بدی‌ها را منتقل کند و از این رهیافت، سیاست همسایگی و تعامل سازنده و مؤثر در سایه دیپلماسی عزتمند حاصل شود. از آنجاکه فرهنگ در تعاملاتی از این دست کالایی کمیاب است، درونی شدن چهارچوب‌های آن بیش از هر رویکردی می‌تواند ماندگار باشد. این پژوهش با تأکید بر اساطیر به‌عنوان یکی از مظاهر روح ملی در پی واکاوی این مسئله است. آنچه اهمیت ادراک همکاری‌جویانه در سیاست همسایگی ایران را برجسته می‌کند، تأکید بر عنصر فرهنگ در روابط خارجی است. اگر تعاملات فرهنگی نهادینه شوند، با توجه به قوام دیرپایشان، بیشتر از سایر حوزه‌ها در نزدیکی کشورها مؤثر است؛ لذا ضرورت دارد برای غلبه بر بسیاری از چالش‌های امنیتی ناشی از ابهامات سیاسی، حقوقی و اقتصادی، فرهنگ را مبنای قرار داده تا با پیش‌فرض‌های فرهنگی از جمله «اسطوره‌ها»، اهداف سیاست خارجی در تعامل با همسایگان به‌مرور برآورده شود؛ بنابراین، براساس دو مفهوم آیکونوگرافی و سیرکولاسیون در قالب روح ملی، چگونه می‌توان نقش منطقه‌ای ایران را بر مبنای اسطوره‌ای بودن ژئوپولیتیک آن ارتقا داد؟ به‌نظر می‌رسد اساطیر ایرانی به‌عنوان یکی از پایه‌های روح ملی می‌توانند پویایی‌های فرهنگی - هویتی را برای اثبات حسن‌نیت ایران در ژئوپولیتیک آن به‌خوبی معرفی کنند و از این طریق، به ارتقای نقش منطقه‌ای آن کمک نمایند. همچنین، در جغرافیای ایران می‌توان به برخی مفاهیم اسطوره‌ای اشاره کرد که از رهگذر این مفاهیم، روح ملی ایران را هم به کشورهای منطقه و هم جهان بشناساند. اسطوره برآمدن ایران، شیوه حکومت پادشاهان اساطیری، عناصر جغرافیای طبیعی همچون کوه البرز و کوه قاف از جمله این مفاهیم هستند. بازنمایی پیام هریک از آن‌ها در عرصه سیاست خارجی ایران می‌تواند ضمن امنیت‌زدایی از برساخته‌های هراس‌انگیز، انعکاس روح ملی مبتنی بر عدالت، عظمت، ترویج خوبی‌ها و مبارزه با بدی‌ها و

ظلمت‌ها و مقوله‌هایی از این دست جهت بهبود روابط فرهنگی و در سطوح بعدی، ارتقای مناسبات سیاسی و اقتصادی باشد؛ این مهم در بلندمدت هم ممکن و هم لازم است. بخش مهمی از چالش‌های داخلی امروزین ایران به‌طور مستقیم در رفع ابهام‌های خارجی است. در چهارچوب ابهام‌زدایی، روابط منظم می‌تواند شکل بگیرد و پس از نهادینه‌سازی هنجارهای مبتنی بر اساطیر یادشده، سیاست خارجی نیز در جهت مثبت و سازنده تنظیم خواهد شد.

پیشینه‌های تحقیق

از نظر اردستانی رستمی (۱۳۹۴)، جغرافیا در برآمدن اساطیر و دگرگونی آن‌ها مؤثر است؛ برای سرمایه‌های شدید و طولانی ایرانویج، به‌عنوان خاستگاه آریایی‌ها، در برآمدن اسطوره‌های ایرانی بی‌تأثیر نبوده‌اند؛ چراکه برخلاف اهورامزدا که آتشین مزاج است، سرما را ذات وجود اهریمن قلمداد می‌کردند؛ بنابراین، تقدس آتش در اندیشه ایرانی برخاسته از جغرافیای سرزمینی اولیه و بسیار سرد آن است. همچنین، در وندیداد، کوچ آریایی‌ها از آن سرزمین سرد در اسطوره جمشید آمده؛ به‌طوری‌که حرکت ایشان به سمت سرزمین‌های گرم جنوبی و گسترش سه‌گانه جهان به‌دست جم، برآیند مهاجرت سه‌گروه آریایی به ایران، هند و اروپا است.

کاویانی‌راد و تهامی (۱۳۹۴) نیز معتقدند هر فضای جغرافیایی ترکیبی از عنصرهای کالبدی و محتوایی است که در سازه‌های انسانی پدیدار می‌شود. مابازای بیرونی و کارکردی این عناصر نسبت مستقیمی با ذهنیت و آرمان ساکنان فضا دارد؛ به‌طوری‌که ساکنان فضا در تلاش برای پیوند فضا با امور قدسی و ماورایی هستند تا از این راه نیازهای معنوی و مادی خود را تأمین نمایند. اسطوره‌ها و اندیشه ایران باستان در چهارچوب فضای برگزیده، به‌صورت تمثیلی ظاهر می‌شود که نمود اصلی آن ایرانویج، به‌عنوان کانون هفت‌اقلیم خونیرت است و دو ویژگی ژئوپولیتیکی آن، «مرکز بودن جهان» و «آفریدگی اهورامزدا» است. این فضا تصویر کوچکی از کیهان بوده و صفت ملکوتی و جاودانگی دارد. این دو معتقدند بخش عمده‌ای از شیوه اندیشه‌وری این دوره برگرفته از باور به اصل اشته یا ارته به‌عنوان نظم کیهانی است. شناسه‌های یادشده درباره ارته‌شهر ایرانی گویای منطق توحید، دست‌کم در بُعد عملی است. نستوراس (۲۰۲۱) فرضیات فلسفی زیربنای ژئوپولیتیک را از طریق منشورهای ماتریالیسم جدید و واقع‌گرایی انتقادی بررسی می‌کند و با الهام از ادبیات روبه‌رشد درمورد اسطوره سیاسی، تلاش می‌کند تا بحثی درمورد جهت‌گیری‌های احتمالی تحقیقات جدید در حوزه ژئوپولیتیک آغاز کند. رویکرد پیشنهادی، که ژئوپولیتیک تحلیلی نامیده می‌شود، به‌عنوان یک تحلیل ساختاری از اسطوره‌های ژئوپولیتیک به عناصر سازنده،

ظهور تاریخی و تأثیر آن‌ها بر الگوهای رفتار دولت‌ها، مبنای جدیدی را برای رشته روابط بین‌الملل، نه تنها براساس جغرافیا، بلکه براساس تاریخ، فرهنگ و سیاست ارائه می‌کند. کیمیچ و شاپیرو (۲۰۲۴) نیز از قول کمبل، محقق اسطوره‌شناسی و کهن‌الگوها می‌نویسند: «اسطوره‌شناسی دروغ نیست، بلکه استعاره است». اسطوره‌ها و استعاره‌ها روایت‌هایی را ارائه می‌دهند که الهام‌بخش فداکاری میهن‌پرستانه هستند، سربازان را برای جنگیدن برمی‌انگیزند و به توضیح دنیای بیرون کمک می‌کنند. با گذشت بیش از یک قرن تنش و درگیری، روابط ایالات متحده و روسیه اکنون براساس این اسطوره‌ها ساخته شده است. اسطوره‌ها این رابطه را کم‌رنگ کرده، تفاوت‌های ظریف و درک واضح را پنهان می‌کنند و برای مثال، نقش هر کشور در جنگ اوکراین را شکل داده‌اند و خواهند ساخت. درک بهتر اسطوره‌های ایالات متحده و اسطوره‌های روسیه به سیاست‌گذاران آن‌ها انعطاف بیشتری می‌دهد و به تقویت هم‌مدلی راهبردی و پیش‌بینی تغییرات آینده در بدنه سیاست روسیه کمک می‌کند. والت (۲۰۱۱) هم معتقد است در طول دو قرن اخیر، نخبگان امریکا این کشور را به‌عنوان «امپراطوری آزادی»، «شهر درخشان روی تپه»، «آخرین بهترین امید زمین»، «رهبر جهان آزاد» و «ملت ضروری» تلقی می‌کنند. این عبارات ماندگار توضیح می‌دهند که چرا همه نامزدهای ریاست‌جمهوری ناگزیرند به عظمت امریکا کمک‌های تشریفاتی ارائه کنند و چرا باراک اوباما در گفتن اینکه به «استثناگرایی امریکایی» اعتقاد دارد، تفاوتی با بقیه نداشت. «استثناگرایی بریتانیایی» و «استثناگرایی یونانی» برای مواضع میهن‌پرستانه هر کشور دیگری فراوان در سیاست خارجی استفاده شده است. ایرادی که در این تصویر «برای تبریک به امریکا از نقش جهانی‌اش وجود دارد»، اسطوره بودن آن است.

مبانی نظری تحقیق

ژئوپولیتیک عبارت است از مطالعه رقابت قدرت‌ها برای تسلط بر منطقه یا جهان مبتنی بر مقدراتی که جغرافیا فراهم می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۹۸: ۸). همچنین، علم شکل‌گیری روندهای سیاسی به‌وسیله زمین است و از منظر جغرافیایی، جوهر مناطق به‌مثابه یک کل در پی تدارک موفقیت چهارچوب این روندها برای ژئوپولیتیک در بلندمدت است (مرادی و افضل‌ی، ۱۳۹۲: ۵۰). از طرفی، ژئوپولیتیک را علم کشف روابط محیط جغرافیایی و تأثیر آن بر سرنوشت سیاسی ملت‌ها نیز می‌دانند (عزتی، ۱۳۸۸: ۷). از منظر کلی‌تر، ژئوپولیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها می‌دانند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). مؤلفه‌های اصلی مورد بررسی در جغرافیای سیاسی (شامل «سرزمین»، «حکومت» و «مرز») نخستین‌بار در ایران باستان، که اندیشه اسطوره‌ای نقش برجسته‌ای در

آن داشته، شکل گرفته‌اند و یونانیان نیز در تکمیل آن تلاش کردند (مجتهدزاده، ۱۳۹۸: ۲۷). به سبب نبود نگاه همسان به ماهیت اساطیر (اردستانی رستمی، ۱۳۹۴: ۳۶)، بسیاری از اسطوره‌پژوهان این کلمه را تعریف‌ناپذیر می‌دانند (آموزگار، ۱۳۹۳: ۳). اسطوره به معنای کلام و به اعتباری دیگر، به معنای افسانه یا قصه مقدسی است که از راز آفرینش حکایت دارد و به نوعی، منشأ ازلی یک آیین، یک کردار یا یک پندار است که راوی راز آفرینش بوده و یک‌بار برای همیشه رخ داده و در ادامه، تا به ابد به صورت یک «نمونه» درآمده است که آیین و رسوم و آداب اقوام مختلف را تنظیم می‌کند؛ بنابراین، اسطوره جهان‌بنیاد است و پی می‌افکند و بن می‌بخشد (شایگان، ۱۴۰۱: ۱۵). اسطوره نقشی واسط بین انسان و هستی ایفا می‌کند و از این نظر، خاطره‌ای ازلی و گردآورنده همه «بود»ها است.

اساطیر راوی سرگذشتی مینوی (الیاده، ۱۳۶۷: ۱۳) و حاوی باورهای مقدس انسان در مرحله‌ای خاص از سیر تطور زیست اجتماعی‌اند که در جوامع ابتدایی صورت‌بندی شده و به مرور زمان، در ذهن بشر جنبه‌ای روحانی می‌گیرند (بهار، ۱۳۸۹: ۳۷۱). در این سیر زمانی، جنبه قدسی آن‌ها ازدست می‌رود و به واسطه معنایی که یافته‌اند، در عصر حاضر، کارکرد ویژه‌ای می‌یابند (ستاری، ۱۳۷۶: ۶-۵) و اسطوره‌پرداز برای معناسازی، آن را به شکل تمثیلی و توصیفی تبدیل می‌کند (جون و کرنی، ۱۹۷۱: ۳).

هر ملت روحی دارد که آن را از ملل دیگر متمایز می‌کند و همین مسئله سبب مرزبندی و تقسیم سیاسی کشورها می‌شود (گاتمن، ۱۹۵۱: ۱۵۳). روح ملی شاخص‌هایی دارد که سرزمین، تاریخ، فرهنگ و آگاهی دادن از مهم‌ترین آن‌ها است (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۵۹). اگر ملت‌ها به گذشته، سبک زندگی، کرامت، جغرافیای زیستی و هر آنچه وابسته به روح ملی‌شان باشد توجه کنند، بسیاری از مسائل و معماهای موجود در روابط کشورها مرتفع خواهد شد. بر همین مبنا، جنبه‌های معنوی و روحی یک ملت چنان اهمیتی دارد که «حقیقت اصلی روح است نه جهان مادی» (گاتمن، ۱۹۵۱: ۱۵۳). گاتمن روح ملی را بر پایه دو مفهوم آیکونوگرافی^۱ (نمادنگاری) و سیرکولاسیون^۲ (چرخش) توضیح می‌دهد؛ بنابراین، وی نیروی نهفته در باورهای معنایی، تعلقات اجتماعی و خاطرات مشترک سیاسی، یک گروه از انسان‌ها را سبب ساخت ملت و کشور می‌داند و نبود یا افول این ویژگی‌ها را موجب سقوط آن‌ها قلمداد می‌کند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۴۳). آیکونوگرافی کاربرد زیادی در تفسیر نشانه‌ها و نمادها و تصاویر دارد (کاوندی‌کاتب و

1. Iconography

2. Circulation



احمدی نوح‌دانی، ۱۳۹۳: ۶). سیرکولاسیون نیز نیروی مخالف آیکونوگرافی است که با طرد گذشته، زمینه‌ساز تحول و ناپایداری روابط قدیمی و نهادینه‌شده است (مویر، ۱۳۷۹: ۲۹). آیکونوگرافی با ایجاد مرزبندی، عامل تثبیت سرزمین و به تبع آن، هویت سرزمینی یک گروه یا ملت می‌شود و سیرکولاسیون با فراتر رفتن از مرزها، دست به شبکه‌سازی و درهم‌تنیدن روابط می‌زند؛ بنابراین، اولی محافظه‌کار و حافظ وضع موجود و دومی انقلابی و تجدیدنظرطلب است. این در حالی است که گاهی و بسته به شرایط، آیکونوگرافی سبب تسهیل فرایند سیرکولاسیون می‌شود. همچنین، سیرکولاسیون تمرکز خود را بر مرزهای فرهنگی و هویتی قرار داده و با یک نیروی جمعی، به دنبال تغییر در مرزهای جغرافیای سیاسی مرسوم است (حافظ‌نیا و...وردی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۰).

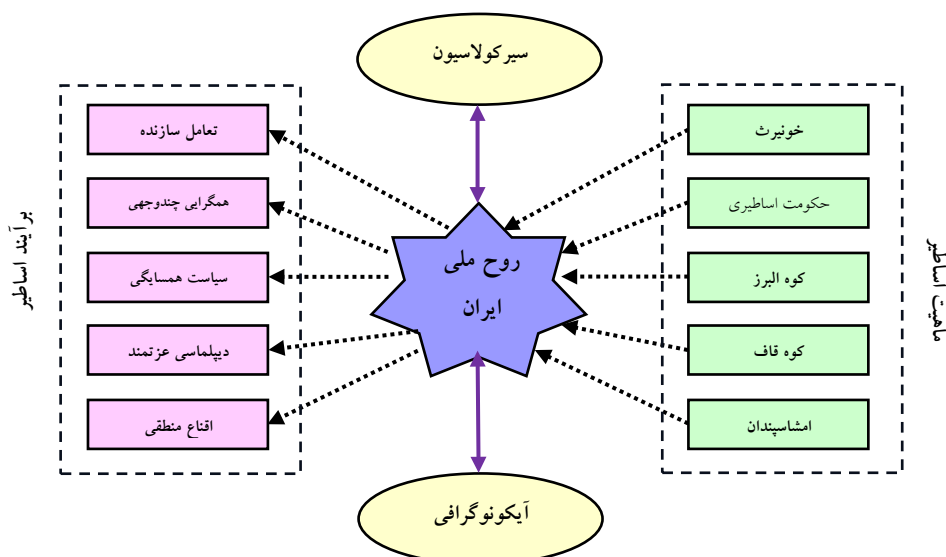
نیروی جمعی حاصل از نیازهای غیرمادی در گروهی از انسان‌ها، محرک تلاش در ملت‌سازی است؛ به همین سبب، جغرافیای ناهماهنگ زمین به همراه برداشت‌های متضاد و گوناگون نسبت به جهان در اندیشه بشری زمینه پدیداری تقسیمات فضای در دسترس می‌شود که موجب چندگانگی هویت‌ها و ملیت‌ها می‌شود تا در کنار هم، نقشه سیاسی جهان را کامل کنند؛ در نتیجه، این تمایلات انسانی است که زمینه‌ساز حرکت در جغرافیای سیاسی و چرخش دائمی در محیط انسانی می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۱۴۷).

آیکونوگرافی و سیرکولاسیون دو رکن متضاد و درعین حال مکمل‌اند و به‌طور مداوم، واحدها و نقشه سیاسی جهان را شکل داده و تغییر می‌دهند (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۶۴). به‌طور خلاصه، این دو نیروهایی هستند که جوامع انسانی را از هم دور ساخته و پس از تشکیل واحدهای سیاسی جدا، آن‌ها را به هم نزدیک کرده و سبب همکاری گروهی‌شان می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۳۷۴). به‌نظر گاتمن، بر روی کره زمین هیچ موقعیت یکسان و مشابهی وجود ندارد و همین سبب سرگذشت‌های مختلف در واحدهای سیاسی می‌شود (گاتمن، ۱۹۵۲: ۵۱۴). هرگاه فضای محدود کره زمین سیاسی شود، تقسیم‌بندی آن نیز اتفاق می‌افتد. این تقسیم‌بندی نیز براساس دسترسی انسان به حوزه نفوذ، مالکیت، حاکمیت و منافع صورت می‌پذیرد.

ملت‌ها در گذر زمان، به تناسب اوضاع و احوال تازه دچار دگرگونی می‌شوند و به‌مرور، خود را با جغرافیای جدید سازگار می‌کنند. برای مثال، دو جنگ جهانی اول و دوم در مدت ۳۰ سال، تعادل جهان را تغییر داد. این تغییرات از سطح تحول و تکامل فراتر رفت و انقلابی تمام‌عیار بود. پس از آن هیچ‌چیز بر سر جای خود نبود، مقیاس و ارزش امور و اشیا عوض و ارتباط میان مردم آشفته شد و اندیشه‌هایی که انسان‌ها درباره جهان و قوانین آن داشتند نیز ناگهان متحول شد و مبانی اخلاق و راه و رسم استقلال‌تکان خورد (زیگفرید، ۱۳۵۴: ۲). جهانی که پس از این دو جنگ ما را احاطه کرد جهان تازه‌ای بود که جنبه غیراروپایی آن بر جنبه اروپایی‌اش پیشی گرفت و مرکز ثقل آن دیگر مرکز سابق نبود.

در برابر سیرکولاسیون و تغییر همواره الگوی مشخصی مقاومت می‌کند. هر سازه سیاسی، از جمله ملت‌ها، متضمن برخی ارزش‌های فرهنگی هستند که ریشه در باورها و اذهان آن‌ها دارد و همین ارزش‌ها مقوم نیروی مقاومت در برابر تغییر هستند که گاتمن به آن آیکونوگرافی می‌گوید. پرچم کشورها، آداب و رسوم، حافظه تاریخی، دین و مذهب، ادبیات، قهرمانان، افسانه‌ها و اسطوره‌ها از جمله نمادهای آشکار و نهان مرسوم در روح ملت‌هاست. هرچند آیکونوگرافی نیروی قدرتمندی در برابر تغییرات است؛ اما در زمان‌های خاص و دوره‌های کوتاه با تفسیرهای مشخصی که ملت‌ها و حکومت‌ها از آن می‌کنند، برای توسعه و حرکت به سمت تعالی، مورداستفاده قرار می‌گیرند (ویسی، ۱۳۹۸: ۱۶۴). آیکونوگرافی به دنبال تفسیر نمادهایی است که در پی آغاز روند تصویرسازی و ایده‌سازی بوده و درصد مستندسازی معنای آن‌ها براساس متون دینی، ادبی و اسطوره‌ای از دل سایر علوم مرسوم است. ایران بهترین نمونه برای آیکونوگرافی است و اسطوره سمندر نماد آن است؛ چراکه در طول تاریخ، بارها مورد تاخت و تاز دشمنانش بوده و هر بار از خاکستر این تجاوزها، سربلند و پرقدرت، زنده شده است (مجتهدزاده، ۱۳۹۴: ۳۸).

در این پژوهش، ضمن واکاوی پنج مفهوم اسطوره‌ای در جغرافیای ایران، از رهیافت روح ملی ذیل ژئوپولیتیک، درصد تجویزهای سیاست‌گذارانه در روابط خارجی این کشور هستیم. شکل ۱ نقشه راه و مدل نظری تحقیق را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱. مدل نظری تحقیق (منبع: نگارندگان).

روش تحقیق

با توجه به اینکه نتایج حاصل از پژوهش به آشنایی با یکی از مفاهیم تاریخی فرهنگ و جامعه کشور ایران منجر می‌شود، روش پژوهش براساس هدف، کاربردی و به سبب تلاش برای ارتباط دو حوزه مختلف «اسطوره» و «ژئوپولیتیک»، توسعه‌ای است. هدف تحقیق کاربردی، دستیابی به اصول و قواعدی است که در موقعیت‌های واقعی و عملی به کار بسته می‌شوند و به بهبود محصول و کارایی روش‌های اجرایی کمک می‌کنند. تحقیقات کاربردی هم به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای مشکلات موجود و بهبود وضعیت در حوزه‌هایی هستند که با مشکل مواجه‌اند (حبیبی و مرادی، ۱۳۹۰: ۲۸). همچنین، در تحقیق توسعه‌ای تهیه برنامه‌ها، طرح‌ها و امثال آن حائز اهمیت است؛ به طوری که ابتدا موقعیت نامعین و خاصی مشخص شده و براساس یافته‌های پژوهش، طرح یا برنامه ویژه آن تدوین و تولید می‌شود (سرمد و همکاران، ۱۳۸۲: ۷۹).

ماهیت داده‌های این تحقیق، کیفی و روش گردآوری آن‌ها، غیرآزمایشی (توصیفی) از نوع اسنادی و مطالعه موردی است. داده‌های کیفی بیشتر جنبه مفهومی دارند و بیشتر از طریق مشاهده و مصاحبه جمع‌آوری می‌شوند (منصوریان، ۱۳۹۸: ۸۷). از طرفی، پژوهش غیرآزمایشی با چگونگی امور و نه چرایی آن‌ها سروکار دارد. در این نوع تحقیق، پژوهشگر سعی می‌کند آنچه هست را بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش دهد و نتایج عینی آن موقعیت را بیان نماید (جهان‌تاب، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۴). چنین پژوهشی بر درک یک پدیده یا موقعیت، مستندسازی و درنهایت، توصیف آن بدون دستکاری متغیرها یا تأثیرگذاری مداخلات متمرکز مبتنی است و درصدد ارائه یک تصویر شفاف با استفاده از مشخصات، رفتارها و رویه‌های موضوع موردنظر است و روابط علت و معلولی در آن نقشی ندارد.

تحلیل اسنادی نیز روشی است که براساس استنادها و ارجاعات، روابطی را که میان نوشته‌های هم‌موضوع در یک یا چند حوزه وجود دارد کشف می‌کند و این امر نیز به‌نوبه خود منجر به یافتن روابط میان مؤلفان و دانشمندان آن موضوع می‌شود که به احتمال زیاد، در نگارش متون علمی از هم تأثیر پذیرفته‌اند (علیزاده، ۱۳۹۶: ۲۴۳). اسناد پژوهشی بیشتر شامل کتب و نشریات علمی ادواری است. منظور از «مورد» (هم تک‌موردی و هم تطبیق موارد) نیز آن چیزی است که در بستر زندگی واقعی رخ می‌دهد و تحلیل داده‌ها نیز در آن به صورت کیفی انجام می‌شود (دال و هک، ۱۳۹۰: ۱۳). نکته قابل ذکر اینکه داده‌های کیفی شامل داده‌های غیرعددی و تحلیل کیفی یک تحلیل تفسیری و غیرکمی است (منصوریان، ۱۳۹۸: ۱۳۱).

یافته‌های تحقیق

بیشتر رفتارهای انسان‌های اولیه متأثر از محیط جغرافیایی و ناآگاهی بوده است؛ این دو عامل که تا حدود زیادی قادر به برآوردن نیازهای طبیعی و معنوی انسان‌ها نبود، بر نیازهای ابتدایی جسمی و ذهنی‌شان اثر می‌گذاشت. نتیجه این فشار محیطی پدیدار شدن اسطوره‌ها و بعد از آن، توجه به علوم طبیعی و سپس فلسفه بود و به‌نظر می‌رسد عدم دستیابی مطلق به این سه، نگاه انسان را به آسمان جلب می‌کرد (هیودی، ۱۴۰۲).

از طرفی، با وجود مدرن بودن دولت - ملت، ریشه‌های تاریخی و فرهنگی چنین مفهومی غیرقابل‌انکار است. روایت‌های اساطیری به‌خوبی ناقل معانی حیاتی و آگاهی‌های اجتماعی در قالب پاسخ‌گویی به نیازهای هویتی است؛ به‌طوری‌که طلوع فرهنگ دولت - ملت‌ها با اسطوره‌ها بوده است (دیلم صالحی، ۱۳۸۵: ۷-۵). دولت‌های ملی در جغرافیای خاص خود برآمده از بازسازی هویت سرزمینی بوده که این بازسازی از طریق خاطرات جمعی، نمادها و اسطوره‌ها تکوین یافته است (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۲۵).

فرهنگ امروز ایران طی بیش از ۴۰۰۰ سال در جغرافیایی شکل گرفته که شناخت این موقعیت و خاستگاه چگونگی رخدادها و دگرگونی‌ها را قابل‌درک می‌کند. این فرهنگ که از سایر فرهنگ‌ها تأثیر پذیرفته و درعین‌حال، بر محیط پیرامونی و جهانی نیز آثار فراوانی بر جای گذاشته تا حد زیادی در جغرافیایی به‌نام نجد ایران قوام یافته است (بهرامی، ۱۴۰۰: ۷). نام این کشور نیز منشأ قومی و نژادی دارد؛ به‌طوری‌که آریایی‌ها در اواسط هزاره دوم پ.م. قدم به فلات ایران نهادند و از طریق ادغام، محو و راندن تمدن‌های کوچک و پراکنده بومی، دست به استقرار تمدن جدیدی زدند و پس از یک سیر تکاملی، هویت ساکنان این سرزمین را شکل دادند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۰).

حوزه فرهنگی ایران از زمان شروع و گسترش کشاورزی که زمینه‌ساز تمدن محسوب می‌شود مرکز راه‌های ارتباطی بود. برخلاف فرهنگ‌های چینی و هندی که در شرقی‌ترین حدود جهان قرار داشتند و در چهارچوب مرزهای محلی و منطقه‌ای و به‌نوعی درون‌زا بودند، تمدن ایران با قرار گرفتن در چهارراه جغرافیای جهان، محل برخورد و تبادل اقوام مختلف، برون‌زا و حیات آن وابسته به همین تعاملات بود؛ به‌نحوی‌که به‌صورت یک میانجی خلاق میان فرهنگ‌های مختلف جهانی عمل می‌کرد (تلائی، ۱۳۷۹: ۱۱۱). قرار گرفتن ایران بر سر راه شرق به غرب، رقبای غربی این کشور (مانند یونان و روم) را به فکر یافتن راه‌های تازه‌ای برای تجارت به‌دور از چشم ایران می‌اندازد. در این زمینه سرزمین‌های



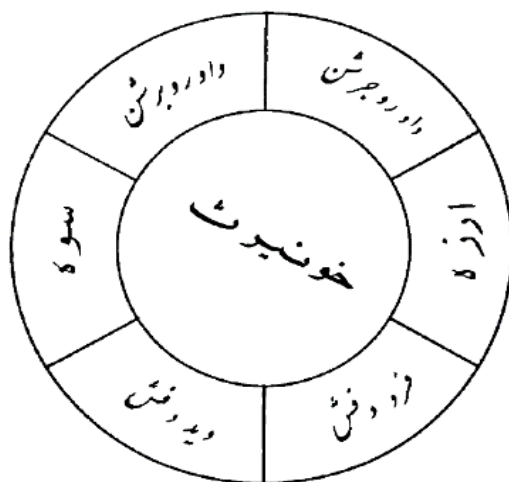
بین‌النهرین و جزیره‌العرب از سده اول ق.م. جایگاه ویژه‌ای در این تقابل داشته‌اند (سهامی، ۱۳۹۸: ۱۴۸). در پی توسعه جغرافیایی عرب‌ها از جزیره‌العرب به مناطق شمالی و شرقی شبه‌جزیره عربستان و ورود گروه‌هایی از اعراب به بین‌النهرین، مراودات و ارتباطات قبایل پراکنده عرب با دو امپراطوری ایران و روم بیشتر می‌شود (رئسی‌نژاد، ۱۴۰۰: ۳).

دست‌کم در ۳۰۰۰ سال تاریخ اخیر ایران، این کشور مورد تاخت‌وتاز اقوام گوناگون بوده است (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۶). شمار زیاد همسایگان یکی از ویژگی‌های بارز جغرافیای ایران است که فشار ژئوپولیتیکی نیز به همراه داشته است؛ به طوری که از هخامنشیان تا دوره معاصر، ایران ۴۴۴ جنگ را تجربه کرده و به طور میانگین، هر پنج‌ونیم سال، یک جنگ برای این کشور رخ داده است (کاوندی کاتب، ۱۳۹۴: ۷۱). قسمت عمده‌ای از بخش اساطیری شاهنامه روایتگر جنگ‌های ایران و توران در سمت شرق است و نیز بخش تاریخی این کتاب با حمله اسکندر مقدونی از سمت غرب آغاز می‌شود. حمله به ایران در اسطوره‌سازی فردوسی حاکی از اهمیت این سرزمین است؛ به طوری که ۹۰ بار از اقدام افراسیاب برای اشغال ایران یاد می‌کند که با ویرانی‌های گسترده و به اسارت درآمدن کودکان و زنان و مردان همراه بوده است (کاوندی کاتب، ۱۳۹۴: ۶۸).

زیستن در سرزمینی که خوبی‌ها بر بدی‌ها غلبه دارد و انسان با امیدواری خاصی آینده را ترسیم کند، همواره در اندیشه‌های آرمانی و از روزگاران کهن، برجسته بوده است. مدینه فاضله تجلی چنین بینشی است که کم‌وبیش در همه ملت‌ها وجود داشته و اساطیر یکی از مصادیق آن است (حافظنیا و کاویانی‌راد، ۱۳۹۳: ۲۴۳). اشاره به سرزمین‌ها، کوه‌ها، دشت‌ها و نیایشگاه‌ها در ادبیات کهن و حتی متون دینی نیز در این طیف جای می‌گیرند (کاویانی‌راد و تهامی، ۱۳۹۴: ۳۰). افسانه‌ها و داستان‌های اسطوره‌ای شاهنامه به‌عنوان عمده‌ترین بخش آن، زندگی اقوام ایران و چگونگی شکل‌گیری آن در فلات ایران را بازمی‌تابد (ثلاثی، ۱۳۷۹: ۱۷۱) و درعین حال، دربردارنده عناصر اسطوره‌ای تمام اقوام ساکن در این فلات و آسیای میانه و تلفیقی از ویژگی‌های آن‌هاست (بهار، ۱۳۹۷: ۱۵۳). نکته مهمی که از متن آن به‌دست می‌آید، اثبات این مهم است که در بُعد اساطیری و بیگانه‌ستیزی، تنها از زاویه احساسی و عاطفی به قضایا نمی‌نگرد و بر پایه طرد و دفع فرهنگ‌ها و اقوام دیگر بنا نشده و گرایشی سازنده در ژئوپولیتیک پیرامونی ایران دارد؛ بنابراین، جغرافیا همواره نقشی مهم در روند تاریخی سیاست خارجی ایران داشته است. امپراطوری گسترده این سرزمین در تقاطع آسیای مرکزی و قفقاز و بلندپروازی‌های این کشور در غرب آسیا در دوران معاصر، دو طیف مختلف را به لحاظ جغرافیایی بر

سیاست‌های آن بار کرده است؛ از یک طرف سبب گسترش نفوذ منطقه‌ای آن شده و از طرف دیگر، محلی برای رقابت قدرت‌های بزرگ و دسیسه‌های دولت‌های خارجی شده است (احتشامی، ۱۳۹۰: ۴۹۹) و همین ترس از مداخله خارجی عامل مهمی برای ملی‌گرایی و تقویت روح ملی ایرانیان شده است (گاتمن، ۱۹۷۹: ۱۳) و تاریخ این سرزمین تا حد زیادی محصول عوامل کلاسیک ژئوپولیتیک است (فولر، ۱۳۷۷: ۲).

بر پایه آنچه مطرح شد، مفاهیم اسطوره‌ای «خونیرث»، «حکومت / پادشاه»، «البرز»، «قاف» و «امشاسپندان» به‌عنوان ادله‌هایی برای اساطیری بودن ژئوپولیتیک آنچه امروزه «ایران» خوانده می‌شود، در قالب یافته‌های این پژوهش بررسی می‌شوند.



شکل شماره ۲. نیمکره شایسته زیست زمین که هفت کشور بر آن قرار دارد (بهار، ۱۳۹۷: ۱۵).

۱- اسطوره خونیرث و برآمدن ایرانویج

در بیشتر روایات اسطوره‌ای اقوام، جهان با گذر از یک بیکرانگی به جغرافیای کرانمند آغاز و چرخ زمان نیز از همین نقطه عطف شروع می‌شود. نکته مهم آن است که هر مردمی سرزمین خود را این نقطه دانسته و آن را منشأ همه رخدادهای بعدی جهان تلقی می‌کنند. ایرانیان باستان در همین چهارچوب زمین را متشکل از هفت کشور می‌دانستند که یکی از این کشورها در مرکز بقیه قرار گرفته و همه آن‌ها در حکم جزایری محصور در آب‌های بیکران‌اند. کشور مرکزی ابتدا خونیرث^۱ نام داشت که بعدها به تبعیت از ساکنانش ایران نام گرفت (بهرامی، ۱۴۰۰: ۹).

1. Xāniras/ Xwaniraθa



بعد از یورش اهریمن به زمین در ابتدای هزاره هفتم، ایزدی به نام تیشتر با جامی همچون ابر، آب برداشت؛ باد این آب را به آسمان برد و به صورت باران به زمین نازل شد و بدین ترتیب، دریاها و رودخانه‌ها به وجود آمدند (آموزگار، ۱۳۹۳: ۵۲). این باران به قدری بزرگ بود که زمین نمناک و به هفت قسمت تقسیم شد (بهار، ۱۳۹۷: ۱۴). هریک از این هفت پاره یا اقلیم را در زبان پهلوی «کشور» می‌نامند. وسعت یکی از پاره‌ها به اندازه مجموع وسعت شش پاره دیگر است که خونیرث نام دارد و در مرکز قرار می‌گیرد (شکل ۲).

حمله اهریمن چنان لرزه‌ای بر تن زمین انداخت که کوه‌ها از هم گسست. اولین کوه، البرز است که پیرامون زمین و به آسمان پیوسته است (دادگی، ۱۳۸۰: ۷۱). کوه دوم تیرگ یا تیرگ البرز است که سطح نیمکره بالایی زمین را به دو قسمت تقسیم می‌کند (آموزگار، ۱۳۹۳: ۵۲).

بر اساس اوستا، خاستگاه آریایی‌های ایرانی، اثیریانم وئجو^۱ (در زبان اوستایی) یا ایرانویج (در زبان پهلوی) است (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۱۰). از یک منظر، ایرانویج منطقه‌ای در آسیای میانه پیرامون خوارزم و جنوب دریاچه آرال و آباد بوده و مردم آن به سبب هجوم اقوام زردپوست شمال و کاهش دمای هوا و بروز سرما، سرزمین خود را ترک و به فلات ایران کوچ کرده‌اند (فروه‌وشی، ۱۳۷۴: ۸).

در بخش نهم بند ۷۵ بندهش آمده که از همه انواع نیکی، در خونیرث، بیش از اقلیم دیگر وجود دارد (دادگی، ۱۳۸۰: ۷۱)؛ این درحالی است که در اساطیر ایرانی خصوصیات مهمی همچون «مرکزیت جهان»، «وسعت زیاد و جایگاه بلند به معنای نزدیکی به مقام ایزدان»، «مکان‌های مقدس همچون کوه و رود» که همگی مرتبط با شهریاری است (رضایی‌راد، ۱۳۸۹: ۱۸۷) و نیز جمعیت بسیار، نشان از جایگاه ویژه خونیرث دارد و «تقدس» مهم‌ترین مشخصه آن است؛ به طوری که ایرانویج از بقیه روستاها و جاها بهتر است (تفضلی، ۱۳۵۴: ۶۱) و این سرزمین، فرّ ایزدی دارد و تمامی شاهان حاکم بر آن به دنبال دستیابی به این فرّ هستند (پورداد، ۱۳۷۷: ۱، جلد ۱: ۲۴۳). اهورامزدا برای مقابله با سرما در ایرانویج با جمشید به گفت‌وگو می‌نشیند و او را راهنمایی می‌کند (پورداد، ۱۳۸۰: ۴۵-۴۶). غلبه سرما بر این جغرافیا و دشواری شرایط زندگی، به ویژه برای انسان‌ها، زمینه‌ساز اسطوره‌ای شدن ذهن ساکنان آن شده است؛ به نحوی که اهریمن خالق سرما و زمستان در این سرزمین است. درک تقدس آتش در دین زرتشت و ایران باستان از این رهیافت قابل تصور است (اردستانی رستمی، ۱۳۹۴: ۶۳).

1. Airyanem Vaejo

همچنین، در بخش ۴۴ مینوی خرد بخشی از ویژگی‌های زندگی در این گستره جغرافیایی آمده که عبارت‌اند از: زندگی ۳۰۰ ساله مردم؛ مردم درد و بیماری کمتری دارند و اهل دروغ‌گویی و مویه و زاری و شیون نیستند و از^(۱) کمتر بر آن‌ها پیروز می‌شود؛ ده مرد از نانی که می‌خورند کاملاً سیر می‌شوند و هر چهل سال فرزندی از یک پدر و مادر به دنیا می‌آید؛ قانون آن‌ها بهی و دین ایشان پوریوتکیشی^۱ است و در زمان مرگ هم انسان‌های پارسایی هستند (تفضلی، ۱۳۵۴: ۶۲). اینکه ایران در مرکز خونیرث قرار دارد، دلالتی بر آگاهی از موقعیت ژئوپولیتیک و در حکم شاهراهی در تعاملات میان کشورها است که جایگاه ویژه‌ای در اسطوره‌های ایرانی دارد. درک این اسطوره برای بسیاری از همسایگان شمالی، شرقی و حتی غربی ایران دشوار نیست؛ آنچه ضروری است یادآوری و بازنمایی آن است که در تعقیب روابط با همسایگانش قابل پیگیری است.

۲- شکل‌گیری حکومت اساطیری در ایران

در اواخر دوره ساسانی و در دوره نخستین اسلامی، شاهد برآمدن هویت ایرانی از طریق تدوین اساطیر ایرانی و روایت‌های افسانه‌ای هستیم و به‌مرور، تاریخ واقعی نیز ساخته می‌شود (اشرف، ۱۴۰۰: ۹۰). تاریخ سنتی ایران در این دوره برای اولین بار در قالب خداینامه یا شاهنامه از صورت شفاهی به کتبی درآمده و به‌طور عمده، شامل عهد اساطیری است؛ در واقع، شاهان ساسانی با کمک موبدان زرتشتی و اقوام ایرانی که فرهنگ، دین و زبان مشترک داشتند، در پی یک هزاره زندگی در این سرزمین، دولتی با نظام سیاسی و دینی واحد در جغرافیایی مشترک ساختند (مکی، ۱۳۸۰، ۳۴)؛ نتیجه این اقدام یکپارچگی سیاسی و برانگیختگی روح و غرور ملی ایرانیان در برابر تهاجم بیگانگان با تکیه بر افسانه‌های آفرینش، نخستین انسان، نخستین پادشاه و سلسله‌های اسطوره‌ای پیشدادی و کیانی بود که قباله‌ای برای دولت ساسانی شد (اشرف، ۱۴۰۰: ۹۱).

ساخت حکومت یکی از مهم‌ترین تحولات در حیات اجتماعی انسان‌ها است. این سازه اجتماعی نقش مهمی در پدیده‌های تمدنی دارد، به همین سبب، در تاریخ اسطوره‌ای ایران، نخستین شخصیت مهم، اولین پادشاه هم است و وجود آن موجب همبستگی اجتماعی و رشد جامعه می‌شود (بهرامی، ۱۴۰۰: ۳۳). هم‌زمان با شکل‌گیری حکومت، مفهوم عدالت و قانون اهمیت ویژه‌ای می‌یابد؛ به همین سبب، نخستین حکومت اسطوره‌ای، پیشدادیان (به معنای کسی که در دادگری و قانون‌گذاری پیش قدم است) نام دارد (بویس، ۱۳۸۱: ۳۰).

۱. آیین نخستین پیروان زرتشت.



کیومرث تغییرات مهم و عمده‌ای در زندگی مردم ایجاد کرد؛ اسب را به مردم معرفی کرد؛ ساخت تیر و کمان را آموزش داد؛ شهرهای زیادی ساخت و امنیت را در کشور برقرار کرد و عبادت و شیوه‌های خوبی کردن را نیز به مردم شناساند (بهرامی، ۱۴۰۰: ۳۵).

ابداع لقب «شاهنشاه ایران و انیران» آغازگر پیدایش ایران ذیل مفاهیم همبستگی سیاسی، دینی، فرهنگی، جغرافیایی و ژئوپولیتیکی بود. در این سیر تکاملی، اهورامزدا پدر اسطوره‌ای (کیومرث) را می‌آفریند. نخستین پادشاه از سلاله او، هوشنگ و خالق دادگری در جهان است. پادشاه بعد از او، جمشید که مبدع نظام اجتماعی و طبقات در جهان است، در پایان به سبب گناه و قره‌شدن به خود، فرّ ایزدی از او زایل و جهان دچار آشفتگی می‌شود. ضحاک از دشت سواران نیزه‌گذار پادشاهی را از جمشید می‌رباید و یک‌هزار سال بیداد می‌کند. فریدون از شاهان متولد می‌شود که در اوستا یک قهرمان با شخصیت نیمه‌الهی دارد و لقب او ازدهاکش است (پوردادو، ۱۳۸۰: ۱۶۱) و کسی است که بر ضحاک پیروز می‌شود و دو زن او را به‌دست می‌آورد (پوردادو، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۶۱)، ولی ضحاک را نمی‌کشد و به توصیه و هشدار اهورامزدا او را در غاری در دماوند به بند می‌کشد تا زمین از مار، کژدم، چلباسه، وزغ و مور پر نشود (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱۵). این پیروزی سبب می‌شود تا فریدون به مقام پیروزمندترین مردمان به‌جز زرتشت برسد و همین فرصت را فراهم می‌کند تا بخشی از فرّ گریخته از جمشید را صاحب شود (پوردادو، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۳۷) و با کمک کاوه آهنگر بر تخت شاهی می‌نشیند که قریب به ۵۰۰ سال ادامه می‌یابد (اشرف، ۱۴۰۰: ۹۲). برخی جشن مهرگان را یادبودی از به تخت نشستن فریدون قلمداد می‌کنند (بیرونی، ۱۳۸۹: ۳۳۷؛ هینلز، ۱۳۹۳: ۴۸۲).

در شاهنامه فریدون سه پسر به نام سلم، تور و ایرج دارد که آن‌ها را به ازدواج سه دختر شاه یمن درمی‌آورد (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱۶). او در دوران پیری سرزمین پهناور خود را بین سه فرزند تقسیم می‌کند؛ سلم را فرمانروای روم و کشورهای غربی، تور را فرمانروای چین و ترکستان و منوچهر را به‌عنوان کوچک‌ترین فرزند، شهریار ایران (که برگزیده سرزمین‌هایش بود) و عربستان می‌کند (هینلز، ۱۳۹۳: ۳۲۵) و تاج بر سر ایرج می‌نهد. فرمانروایی ایرج حسادت و کینه دو برادر را برمی‌انگیزد (آموزگار، ۱۳۹۳: ۶۶) و این دو به پدر خود فریدون که اینک سالخورده شده، پیام می‌دهند که این تقسیم‌بندی عادلانه نیست و در این زمینه میل و آرزوی خود را بر هر چیزی مقدم دانسته است و تهدید می‌کنند که اگر تاج از سر ایرج بردارد و او را همچون آن‌ها به سرزمین‌های دور نفرستد، به او خواهند تاخت. اگرچه ایرج با خوش‌قلبی ذاتی، از پدر اجابت درخواست

برادران را دارد؛ اما فریدون مانع این امر می‌شود و سرانجام برادران دست به کشتن ایرج می‌زنند (قلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۳۱۶). فریدون با غم و رنجی فراوان از کشته‌شدن فرزند محبوب خود بر اثر گریه زیاد نابینا می‌شود و از خداوند می‌خواهد که تا گرفته‌شدن انتقام خون ایرج از برادرانش زنده بماند. سرانجام منوچهر، نوه دختری فریدون، به دنیا می‌آید و بنابر *شاهنامه*، مایه روشنی و بینایی چشمان فریدون می‌شود و در ایرانشهر به فرمانروایی می‌رسد و به کین‌خواهی ایرج با پهلوانانی چون کارن (قارن) کاویان (پسر کاوه آهنگر)، سام نریمان، گرشاسب و قباد بر لشکریان سلم و تور حمله کرده و با پیروزی، این دو را از پای درمی‌آورند (باحقی، ۱۴۰۰: ۷۷۲). فریدون فرتوت منوچهر را به سام نریمان می‌سپارد و خود جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند (آموزگار، ۱۳۹۳: ۶۶).

بنابراین، در دوره ایرج، ایران با تمایز از دو بخش دیگر در میانه جهان زاده می‌شود. ویژگی‌ها و سجایای اخلاقی او نمادی از یک ایرانی کامل با هویت مختص این سرزمین است. عنصر اصلی و مانا در این اسطوره‌سازی، ایران‌زمین، ایرانشهر (یعنی سرزمین اقوام ایرانی و قلمرو پادشاهی ایران) و فرّ ایزدی است (اشرف، ۱۴۰۰: ۹۴). در این تصور، ایران یا در میانه جهان سه‌بخشی یا در مرکز جهان هفت‌کشوری است: «بدان که ربع مسکون با تفاوت نواحی آن در میان هفت قوم بزرگ یعنی چین، هند، سودان، بربر، روم، ترک و آریان تقسیم شده است. آریان که همان ایران (فرس) است در میان این کشورها قرار دارد و این کشورهای شش‌گانه محیط بدانند» (اصفهانی، ۱۳۶۷: ۲).

بعد از حمله اعراب به ایران و زوال حکومت ساسانی، اسلام در قالب یک دین و حکومت جهانی بر حکومت شبه‌ملی ایران غلبه می‌کند و هویت سیاسی و دینی ایران را تغییر می‌دهد. در طول سه قرن، اسلام به مرور جایگزین زرتشتی‌گری و ایرانشهر (قلمرو پادشاهی ایران) دچار گسست می‌شود. اگرچه تا روی کار آمدن صفویان، ایران از وحدت سیاسی محروم می‌ماند؛ اما چند چیز ثابت می‌ماند:

اول: سرزمین ایران در مفهوم جغرافیایی‌اش و در حکم میانه جهان؛

دوم: اسطوره‌های آفرینش بشر (اشرف، ۱۴۰۰: ۸۱).

سوم: شکوفایی فارسی دری که عامل حرکت و نگهبان فرهنگ غنی و هویت ایرانی

می‌شود (لازارد، ۱۹۷۵: ۶۳۲).

این روند نشان می‌دهد روح ملی ایرانی در تعامل با آموزه‌های اسلامی در آن‌ها ادغام شده و فرهنگ اسلامی - ایرانی، حرکت خود را آغاز می‌کند که نمود بارز آن گسترش زبان فارسی در سرزمین‌های اسلامی است. نفوذ این زبان به‌منزله زبان مشترک دیوانی



امپراطوری عثمانی، بیانگر جریان اثرگذار و مانای هویت ایرانی - اسلامی است که تا به امروز هم ادامه دارد. جغرافیای ایران از شرق تا غرب، در دوره باستان تحت حاکمیت پادشاهان اسطوره‌ای بوده که درک تاریخی نقاط مثبت آن برای ساکنانش جهت تقویت سیاست همسایگی باید تقویت شود. راینزان فرهنگی ج.ا.ایران در کشورهای همسایه و حتی سایر کشورهای پیرامونی ایران می‌توانند در این زمینه نقش‌آفرینی کنند.

۳- رشته کوه‌های اساطیری البرز و قاف

بنا کردن شهر در دامنه کوه نیز برای آرمانشهر ایرانی و این نوع استقرار بر قداست شهر می‌افزاید؛ چراکه کوه محلی برای تجلی الطاف الهی و غیبی است (کاویانی‌راد و تهمی، ۱۳۹۴: ۳۵) و هرچه شهر در مکان بلندتری ساخته شود، در این آرمانشهر ملکوتی‌تر می‌شود. شاه نماینده اهورامزدا و دریافت‌کننده فرّ ایزدی از آن و نمادی برای بیان توحید است؛ بنابراین، در اسطوره‌های ایرانی، جغرافیای برگزیده در پیوند خدا، سرزمین و شهر معنا می‌یابد.

اهمیت ژئوپولیتیکی البرز برای ایران‌زمین در این است که این کوه ممتد و بزرگ، فلات آباد ایران را از سرزمین‌های بیابانی اقوام یاجوج و ماجوج (عُزها، خزرها، هونها و غیره) مجزا کرده و در حکم سدی محکم در برابر آن‌ها بوده است (سیدی‌فرخند، ۱۳۹۹: ۸۸).

بنابراین، اطلاعات جدید و قدیمی که از کوه قاف ارائه شده نشان از اهمیت راهبردی آن در منطقه‌ای است که امروزه قفقاز نامیده می‌شود که چرا آن کوه در افسانه‌ها، اساطیر، عرفان و ادبیات ایران جایگاه ویژه‌ای دارد. در حوزه تمدنی ایران‌زمین رشته‌کوه‌های قفقاز (قاف اساطیری) از ساحل شرقی دریای سیاه آغاز و تا کرانه غربی دریای خزر ادامه دارد و بعد از عبور از غرب و جنوب خزر به شمال خراسان می‌رسد، سپس مرز ایران - افغانستان و افغانستان - ترکمنستان را قطع می‌کند و با پوشاندن مرکز افغانستان، به شمال هند و قلب چین می‌رسد. این رشته‌کوه در اساطیر ایرانی، همان البرز است (سیدی‌فرخند، ۱۳۹۹: ۸۴) که براساس اوستا، اولین کوهی است که از زمین می‌روید و میثوی و مقدس است و تمام سرزمین‌های شرق و غرب را شامل می‌شود (پورداد، ۱۳۷۷ جلد ۲: ۳۲۴). کوه قاف در هشتمین اقلیم قرار دارد. این کوه حدفاصل دنیای محسوس و ملکوت و قله آن اقامتگاه سیمرغ است (شایگان، ۱۴۰۱: ۱۲۷).

همسایگان شمالی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز و همسایگان شرقی این کشور نیز در اساطیر خود به نیکی از عظمت این دو کوه یاد می‌کنند و همین نقطه وصل ایران با این کشورها است. افسانه‌های مردمان این جغرافیا در این خصوص یکی از وجوه همگرایی در سطح مردم و تعمیم آن به سطح حاکمیت‌ها است.

۴- آمشاسپندان اساطیری

دوگانه خیر و شر و همراهی انسان با خدایان راستی و درستی، عهد و پیمان در جهت آبادگری برای مبارزه با خشکسالی، دروغ و جنگ، از زمان داریوش تا به امروز در اندیشه اساطیری جغرافیای ایران تکرار شده است (احمدوند و اسلامی، ۱۳۹۶: ۴۶). آرمان‌گرایی در قامت ترسیم جغرافیا و تاریخ و واقع‌گرایی به شکل فنون سیاست‌گذاری از خرد مزدایی تا خرد شیعی، شکل و محتوای یکسانی داشته است (کُربن، ۱۳۸۳: ۲۹). این شکل از حکومت دیدگاه‌های متکثر و غیرقابل حل را در نظام سیاسی ویژه‌ای وحدت بخشید (اسلامی، ۱۳۹۸: ۱۲۴) و با خردورزی خاص خود قبل از دستیابی غرب به مفهوم دولت - ملت مدرن در قرن ۱۷ م، امپراطوری پویایی را در ایران پایه‌ریزی کرد (هگل، ۲۰۰۱: ۲۰۶).

باستانی‌ترین دین در ایران، زرتشتی است. اهورامزدا خدای یگانه این دین و جهان مادی و معنوی به همراه دوزخ و بهشت، نماد پایان جهان است. دوگانگی اخلاقی (خیر و شر)، جهان ذهنی پیروان این دین را عرصه رقابت این دو می‌داند که مراقبت دائمی از فرهنگ ایرانی امری واجب برای مردمان آن می‌شود. به همین سبب، معنویت و خداابوری یکی از ارکان اصیل ایران باستان بوده است (استوار، ۱۳۹۶: ۷۰).

ایجاد عهد باستان در ایران شامل «ایجاد مخصوص زرتشتی» و «ایجاد ملی» می‌شد که برجسته‌ترین آن‌ها نوروز، مهرگان و جشن سده است (بهار، ۱۳۸۹: ۴۹۵). یکی از آداب نوروز چیدن سفره هفت‌سین است که تا به امروز هم ادامه دارد. هفت‌سین نشانه هفت آمشاسپند و نماینده خوبی‌ها و مبارزه با زشتی‌ها است. اسامی دو ماه آخر فصل‌های بهار، تابستان و زمستان تجسم یکی از بزرگ‌ترین اسطوره‌های ایرانی یعنی آمشاسپندان یا آمشه‌سپنته و از صفات پاک اهورامزدا به معنای «جاودانان مقدس» است (معصومی، ۱۳۹۱: ۸۳۸).

جدول شماره ۱. آمشاسپندان، معانی کارکردی و ماه تقویمی با آن‌ها (منبع: نگارندگان)

نام آمشاسپند	تلفظ آوایی	معنای کارکردی	ماه تقویمی
وهومنه	Vohu Manah	اندیشه نیک	بهمن
آشه وهیشته	Âša Vahišta	راستی	اردیبهشت
خشثره وئیریه	Xšaora Vairya	شهریاری مطلوب	شهریور
سپنته آرمئیتی	Spenta-Ârmaiti	پارسایی	اسفند
هنورواتات	Haurvatāt	کمال	خرداد
آمرتات	Amərətāt	جاودانگی	امرداد

۱. در یشت هفتم اوستا آمده که «ماه» منزل آمشاسپندان است (بهار، ۱۳۸۹: ۷۶).



وهُومَنَه (بهمن) نخستین آفریده اهورامزدا به معنای «اندیشه نیک» است (آموزگار، ۱۳۹۳: ۱۷). مهم‌ترین کارکرد بهمن انتقال اندیشه نیک به مردم و نظارت مستمر بر «پندار»، «گفتار» و «کردار» آن‌ها است؛ به همین دلیل، نگهبانی از چارپایان سودمند بر عهده او است (بهرامی، ۱۴۰۰: ۲۴). آشه و هیشته (اردیبهشت)، به معنای «بهترین اشه»، نگهبان آتش و ضامن نظام اخلاقی و مادی در جهان است و جهان دیوها، دشمن اصلی او است. همسایگان ایران، ایرانیان را «آتش‌پرست» می‌دانستند و تا قبل از اسلام، مزدپرستان هر شهر حداقل یک آتشگاه برای پرستش داشتند. این امشاسپند با نظام کیهانی نسبت به نظام انسانی ارتباط نزدیک‌تری دارد؛ چراکه آتش آسمانی‌تر و به عبارتی، انتزاعی‌تر است (دومناش، ۱۳۹۵: ۲۵۵). آشه و هیشته نگهبان نظم جهانی بوده و «آتش» نماد زمینی او است. اردیبهشت نه تنها نظم را در روی زمین برقرار می‌کند، بلکه نگران نظم دنیای مینوی و دوزخ نیز است و مراقبت است که دیوان، بدکاران را بیش از آنچه سزاوارش هستند، مجازات نکنند (مدرسی، ۱۴۰۰: ۱۸۰).

خَشَثَرَه و ئیریه (شهریور) انتزاعی‌ترین امشاسپند (هیلنز، ۱۳۹۳: ۷۴) و به دلیل پاسداری از فلزات با «جنگ» مرتبط است؛ اما هم‌زمان در مقام دفاع از فقرا و بیچارگان هم برمی‌آید. از همین رو، شهریور نماد «توانایی»، «شکوه» و «چیرگی» خداوند است (بهرامی، ۱۴۰۰: ۲۵). در پایان جهان، شهریور رودی از فلز گداخته جاری می‌کند که بدکاران و نیکوکاران را از یکدیگر متمایز می‌کند (آموزگار، ۱۳۹۳: ۱۸).

هَنُورَوَات (خرداد)، به معنی تمامیت، کلیت و کمال و مظهری از مفهوم نجات برای افراد بشر است (مدرسی، ۱۴۰۰: ۱۸۰)، آب را حمایت می‌کند و در این جهان، شادابی گیاهان مظهر او است. بنابر چرخه‌های بلندمدت آب‌وهواشناسی ایران در این ماه از سال، سیلاب‌های بهاری فرو نشسته و کم‌آبی‌های تابستانی هنوز فرا نرسیده است؛ بنابراین، منابع طبیعی آب در بهترین حالت خود هستند (شجاعی، ۱۳۹۹: ۱۴۴). اَمَرِتات (امرداد) به معنای بی‌مرگی و تجلی دیگری از جاودانگی و رستگاری و نیز سرور رویدنی‌ها است (مدرسی، ۱۴۰۰: ۱۸۱). او گیاهان را می‌رویاند و رمه گوسفندان را می‌افزاید (شجاعی، ۱۳۹۹: ۳۲۸) و در تلاش است تا گیاهان آسیب‌نبیند و پژمرده نشوند. در فرهنگ ایرانیان گیاه و سبزی نماد بی‌مرگی بوده است؛ زیرا گیاهان عمری بسیار دراز دارند و هر سال دوباره تازه و شاداب جوانه می‌زنند. همچنین، گیاه با تأمین هوای پاک و خوراک، به دیگر زندگان زندگی می‌بخشد. در این هنگام از سال گیاهان در بهترین وضعیت رشد سبزینه‌ای خود هستند.

سپته آرمنیتی (اسفند)، ایزدبانوی باستانی، موکل زمین و نماد اخلاص، پرستش، ایثار و تسلیم و بردباری است (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۰۳).

درون‌مایه‌های هریک از امشاسپندان به‌عنوان مفاهیم اسطوره‌ای نه‌تنها برای ایران، بلکه برای هر کشوری از چنان اهمیتی برخوردار است که با انضمامی کردن این مفاهیم می‌توان به رفع بسیاری از سوء تفاهم‌های احتمالی در روابط دوجانبه کشورها امیدوار بود.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از گذشته‌های دور، جغرافیای ایران ویژگی منحصر به فردی داشته و عبارت از وجود کوه‌های بلندی است که مانع از جریان بخار آب به داخل آن می‌شود؛ این ویژگی سبب تحمیل وضعیت سخت و طاقت‌فرسایی می‌شود که زمینه‌های تلاش و تکاپوی بیشتر مردمان این سرزمین را بنا می‌گذارد. این شرایط سبب بروز ذهنی تقدیرگرا در مردم می‌شود که از یک‌طرف پای بر زمین و از طرف دیگر، سر به آسمان دارند. چنین پیوند ناگسستنی بین زمین و آسمان، سازه اندیشه‌های اشراقی و عرفانی در ایران از دوران باستان را تشکیل می‌دهد. عامل فرهنگی دیگر ناشی از هجوم گاه‌وبیگاه اقوام بیگانه بوده است. نبرد با زشتی‌ها و پلیدی‌ها و روح قهرمان‌پرستی ناشی از این تاخت‌وتازها تداومی تاریخی به دوگانگی خیر و شر در این سرزمین داده است و نمود آن در شاهنامه و ماجرای نبرد ایرانیان و تورانیان مشهود است. وجود اساطیر، افسانه‌ها، قهرمانان ملی و جریان فرهنگی در گذار نسلی و نمادهای ناشی از آنها، حاکی از واقع‌گرایی فرهنگی در تاریخ سیاسی ایران است. مفهوم هویت در فلسفه ایرانی از شروع تمدن شناخته‌شده این جغرافیا، «انسانیت» را اصل و مقدم بر هر چیز دیگری می‌داند. اندیشه زرتشتی، جهان را در نبرد بی‌پایان تاریکی و نور می‌بیند و وظیفه انسان را حرکت به سمت نور و روشنی می‌داند و امتداد آن را تا غلبه حق بر باطل در آموزه‌های اسلامی - ایرانی می‌توان مشاهده کرد.

ژئوپولیتیک در نقش‌آفرینی کشورها در نظم منطقه‌ای و بین‌المللی حائز اهمیت فراوانی است. این پژوهش با استفاده از نظریه ژئوپولیتیکی روح ملی ژان گاتمن و با تأکید بر دو مقوله آیکونوگرافی و سیرکولاسیون، در صدد بازتعریف نقش منطقه‌ای ایران و به‌ویژه در ارتباط با همسایگان برآمد. تأکید اصلی نگارندگان بر اسطوره‌ها به‌عنوان یکی از مظاهر روح ملی بود که به‌طور خاص از پنج مفهوم اسطوره‌ای از بین اساطیر فراوان جغرافیای ایران انتخاب شد. این اساطیر ضمن نمادنگاری سیاست خارجی ایران، تأکید



ویژه‌ای بر تمایز نیکی‌ها و بدی‌ها داشته و قابل بهره‌برداری در زمینه حسن‌نیت این کشور در تعاملات منطقه‌ای و به‌طور مشخص، همسایگان است. جریان مانایی که از طریق چرخش درون‌مایه‌های اسطوره‌ای منتقل می‌شود نیز هدفی جز انتقال پیام دوستی و حسن‌همجواری ندارد؛ بنابراین، دستگاه سیاست خارجی ایران در پرتو این مضامین می‌تواند ضمن تعامل سازنده و همگرایی چندوجهی دست به کنشگری عزتمند در دیپلماسی بزند تا از طریق اقناع منطقی، به موفقیت در سیاست همسایگی نایل شود. تأکید بر اساطیر به جهت انتقال نمادین پیام دوستی و داشتن جریانی مستمر، هدف اصلی این پژوهش بود که در صورت تحقق، منجر به صلح و ثبات در ژئوپولیتیک پرآشوب خاورمیانه خواهد شد. اساطیر ایرانی با تأکید بر مفاهیم پیش‌گفته بیانگر ویژگی‌های هویتی این کشور هستند که در سیر فرهنگی قابل‌انتقال به جغرافیای پیرامونی است؛ برای مثال، برپایی آیین نوروز در حوزه تمدنی ایران که بیشتر همسایگانش را هم شامل می‌شود، نمودی از کارکرد امشاسپندان است. از طرفی، یک عارضه جغرافیایی همانند رشته‌کوه البرز که از آسیای مرکزی و قفقاز شروع و تا کشورهای افغانستان و پاکستان ادامه می‌یابد، بستری برای شکل‌گیری اندیشه اسطوره‌ای در جغرافیا است. قاف و البرز در ادبیات، داستان‌ها و افسانه‌های مردم این جغرافیا، سرگذشت‌های متفاوتی یافته‌اند که هر کشوری روایت خاص خود را از آن دارد؛ اما همان‌طور که عنوان شد، برای همگی آن‌ها تداعی‌کننده الطاف الهی و امدادهای غیبی و مرکزیت جهان است که این خود حاکی از پاکی و قداست این جغرافیا است.

نگارندگان معتقدند ضرورت غلبه بر بسیاری از ابهامات سیاسی و امنیتی در جهت تقویت مناسبات اقتصادی از رهیافت فرهنگی که بر روح ملی ایران تأکید کند، قابل‌حصول است. در صورت تبیین صحیح، کارکرد و انضمامی کردن درون‌مایه‌های مفهومی اسطوره‌ها، به‌عنوان یکی از مظاهر روح ملی ایران، از جمله نقاط قوت ایران برای پیگیری سیاست همسایگی و منطقه‌ای خود است.

یادداشت

۱- در اوستا «آزی» دیو حرص و طمع و در بندهش دیوی است که همه‌چیز را فرو برد و اگر چیزی نصیبش نشود، خود را بخورد (یاحقی، ۱۴۰۰: ۳۹).

منابع

- قرآن کریم.
- آموزگار، ژاله (۱۳۹۳). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: سمت.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۹۰). «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه*، ویرایش ریموند هینه‌بوش و انوشیروان احتشامی. ترجمه رحمان قهرمان‌پور و مرتضی مساح. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- احمدوند، شجاع؛ اسلامی، روح‌ا... (۱۳۹۶). *اندیشه سیاسی در ایران باستان*. تهران: سمت.
- اردستانی رستمی، حمیدرضا (۱۳۹۴). «اسطوره‌های ایرانی؛ برآیند دگرگونی‌های اجتماعی و جغرافیایی»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. سال یازدهم. شماره ۴۰: ۷۳-۳۵.
- استوار، مجید (۱۳۹۶). *انقلاب اسلامی و نبرد نمادها*. تهران: نگاه معاصر.
- اسلامی، روح‌ا... (۱۳۹۸). *شکوه و زوال سیاست در اندیشه ایرانشهری*. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- اشرف، احمد (۱۴۰۰). *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*. ترجمه و تدوین حمید احمدی، تهران: نی.
- اصفهانی، حمزه‌ابن حسن (۱۳۶۷). *تاریخ پیامبران و شاهان*. ترجمه جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- الیاده، میرچا (۱۳۶۷). *افسانه و واقعیت*. ترجمه نصر... زنگویی. تهران: پاپیروس.
- بهار، مهرداد (۱۳۹۷). *از اسطوره تا تاریخ*. تهران: چشمه.
- ----- (۱۳۸۹). *پژوهشی در اساطیر ایران*. ویرایش کتابیون مزدپور. تهران: آگه.
- بهرامی، عسکر (۱۴۰۰). *تاریخ اساطیری ایران*. تهران: ققنوس.
- بويس، مری (۱۳۸۱). *زرتشتیان، باورها و آداب دینی آن‌ها*. ترجمه عسکر بهرامی. تهران: ققنوس.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۹). *آثارالباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: امیرکبیر.
- بی‌نا (۱۳۷۲). *حدودالعالم من المغرب الی المشرق*. تصحیح مینورسکی. تهران: انتشارات طهوری.
- پورداود، ابراهیم (۱۳۷۷). *ادبیات مزدیسنا: یشت‌ها*. جلد ۱ و ۲. تهران: انتشارات اساطیر.
- ----- (۱۳۸۰). *یسنای: بخشی از کتاب اوستا*. تهران: انتشارات اساطیر.
- تفضلی، احمد (۱۳۵۴). *مینوی خرد*. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- ثلاثی، محسن (۱۳۷۹). *جهان ایرانی و ایران جهانی*. تهران: نشر مرکز.
- جهان‌تاب، محمد (۱۳۸۶). *اصطلاح‌شناسی تحقیق*. تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- ----- (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک*. مشهد: انتشارات پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ا...وردی‌زاده، رضا (۱۳۸۸). «*رابطه سیستم سیاسی بسیط با همبستگی ملی: بررسی موردی ایران*»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*. سال پنجم. شماره ۱: ۲۱-۸.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی‌راد، مراد (۱۳۹۳). *فلسفه جغرافیای سیاسی*. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ عبدی، عطاء...؛ احمدی‌پور، زهرا؛ پرهیزگار، اکبر (۱۳۸۸). «*تبیین الگوی نظریه طراحی سازوکار همگرایی بر پایه واقعیت*»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال دهم. شماره ۴: ۳۱-۳.
- حبیبی، نیک‌بخش؛ مرادی، سجاد (۱۳۹۰). *راهنمای پژوهش‌های نظری*. تهران: مرکز انتشارات راهبردی نهجا.
- دادگی، فرنیغ (۱۳۸۰). *بنا‌هش*. به‌کوشش مهرداد بهار، تهران: توس.
- دال، یان؛ هک، تونی (۱۳۹۰). *روش‌شناسی مطالعه موردی در پژوهش‌های مدیریت: آزمون نظریه و نظریه‌پردازی*. ترجمه حسن دانایی‌فرد. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).



- دومناش، ژان پیر (۱۳۹۵). «اساطیر ایرانی: دو بُن‌نگری کیهانی»، *دانشنامه اساطیر جهان*. زیر نظر رکس وارنر. ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور. تهران: هیرمند.
- دیلم صالحی، بهروز (۱۳۸۵). «اسطوره و حماسه، دو بنیاد هویت ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال هفتم. شماره ۳: ۲۴-۳.
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۹). *مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی*. تهران: طرح نو.
- رئیسی‌نژاد، آرش (۱۴۰۰). *ایران و راه ابریشم نوین: از ژئوپولیتیک راه تا دیپلماسی راه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زیکفرید، آندره (۱۳۵۴). *روح ملت‌ها*. ترجمه احمد آرام. تهران: فجر.
- ستاری، جلال (۱۳۷۶). *اسطوره در جهان امروز*. تهران: مرکز.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۲). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: آگه.
- سهامی، علی (۱۳۹۸). *دیپلماسی در شاهنامه*. تهران: انتشارات فصل پنجم.
- سیدی‌فرخند، مهدی (۱۳۹۹). *فرهنگ جغرافیای تاریخی شاهنامه*. تهران: نی.
- شایگان، داریوش (۱۴۰۱). *بینش اساطیری*. تهران: اساطیر.
- شجاعی، حیدر (۱۳۹۹). *فرهنگ مصور شمایل نمادین اساطیری ایران و جهان*. تهران: شهر پدram.
- عزتی، عزت‌ا... (۱۳۸۸). *ژئوپولیتیک در قرن بیست‌ویکم*. تهران: سمت.
- عزیزاده، ندا (۱۳۹۶). *مروری بر روش‌های کاربردی تحقیق کیفی در علوم اجتماعی و انسانی*. تهران: انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی.
- فره‌وشی، بهرام (۱۳۷۴). *ایران‌ویج*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- فولر، گراهام (۱۳۷۷). *قبله عالم: ژئوپولیتیک ایران*. ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- قلی‌زاده، خسرو (۱۳۹۲). *فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- کاوندی کاتب، ابوالفضل؛ احمدی نوح‌دانی، سیروس (۱۳۹۳). «نظریه آیکونوگرافی و روند جداسازی سرزمین‌های ایرانی در قرن نوزدهم»، *فصلنامه مطالعات ملی*. سال پانزدهم. شماره ۲: ۲۴-۳.
- کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۳۹۴). *جغرافیای سیاسی در شاهنامه فردوسی*. تهران: کویر.
- کاویانی‌راد، مراد؛ تهامی، مرتضی (۱۳۹۴). «تیین قلمرو و فضای برگزیده در اندیشه و اسطوره ایرانیان باستان»، *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*. سال پانزدهم. شماره ۳۷: ۴۶-۲۵.
- گرین، هانری (۱۳۸۳). *ارض ملکوت از ایران مزدایی تا ایران شعیبی*. ترجمه ضیاءالدین دهشیری. تهران: انتشارات طهوری.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*. تهران: سمت.
- ----- (۱۳۸۷). *دموکراسی و هویت ایرانی*. تهران: کویر.
- ----- (۱۳۹۴). «پیدایش هویت ایرانی و تطور مفهوم کشور در ایران» *جغرافیای سیاسی در شاهنامه فردوسی*. نوشته ابوالفضل کاوندی کاتب. تهران: کویر.
- ----- (۱۳۹۸). *فلسفه و کارکرد ژئوپولیتیک*. تهران: سمت.
- مدرس، فاطمه (۱۴۰۰). *دانشنامه اساطیر ایران*. تهران: اساطیر پارسی.
- مرادی، اسکندر؛ افضل، رسول (۱۳۹۲). *اندیشه‌های جدید در ژئوپولیتیک*. تهران: زیتون سبز.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۹۱). *دایرةالمعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان*. جلد ۲ (الف). تهران: سوره مهر.
- معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۳). «هویت، تاریخ و روایت در ایران»، *ایران: هویت، ملیت و قومیت*

- (مجموعه مقالات). به کوشش حمید احمدی. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- مکی، ساندرا (۱۳۸۰). *ایرانی‌ها*. ترجمه شیوا رویگران. تهران: ققنوس.
 - منصوریان، یزدان (۱۳۹۸). *روش تحقیق در علم اطلاعات و دانش‌شناسی*. تهران: سمت.
 - مویر، ریچارد (۱۳۷۹). *درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی*. ترجمه دره میرحیدر و سید یحیی صفوی. تهران: سازمان جغرافیایی ن.م.
 - هینلز، جان راسل (۱۳۹۳). *شناخت اساطیر ایران*. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
 - هیودی، محمدرضا (۱۴۰۲). «نقش محیط جغرافیایی در پیدایش ادیان، و بازخورد ژئوپولیتیک پیرامون»، قابل دسترس در: B2n.ir/r06620 (آخرین بازدید: ۱۴۰۲/۱۲/۲۵)
 - ویسی، هادی (۱۳۹۸). *مفاهیم و نظریه‌های جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
 - یاحقی، محمدجعفر (۱۴۰۰). *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
 - Cattam, Richard W. (1979). *Nationalism in Iran: Updated Through 1978*. Pittsburgh: University of Pittsburgh Press.
 - Gottmann, Jean. (1951). "Geography and International Relations", *World Politics*. Vol.3. No.2: 153-173.
 - Gottmann, Jean. (1952). "The Political Partitioning of Our World: An Attempt at Analysis", *World Politics*. Vol.4. No.4: 512-519.
 - Hegel, Frederick W. (2001). *The Philosophy of History, With Prefaces by Charles Hegel and the Translator*. J. Sibree, M.A., Kitchener: Batoche Books.
 - Jun, Carl G. and Kerenyi, Carl (1971). *Essays on a Science of Mythology*. Princeton: Princeton University Press.
 - Kimmage, M. and Shapiro J. (2024). "The Myths That Warp How America Sees Russia—and Vice Versa", Available at: *The Myths That Warp How America Sees Russia—and Vice Versa | Foreign Affairs* (Last Vist: 5 February 2024).
 - Lazard, Gilbert. (1975). "The Rise of the New Persian Language", *History of Iran IV*. Cambridge: Cambridge University Press.
 - Nestoras, A. (2021). "Analysing Geopolitical Myths: Towards a Method for Analytic Geopolitics", *Geopolitics and International Relations: Grounding World Politics Anew*. Edited by: David Crikemans, Leiden: Brill|Nijhoff, pp: 194-218.
 - Walt, S. M. (2011). "The Myth of American Exceptionalism", Available at: <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/the-myth-of-american-exceptionalism/> (Last Vist: 6 February 2024).

